

پرسشنامه الگوی ارتباطات خانواده

مقیاس	کاملاً مخالفم	تارددی موافقم	نظری ندارم	تارددی مخالفم	کاملاً موافقم
جهت گیری گفت و شنود					
والدینم من را تشویق می کنند تا احساساتم را بیان و ابراز کنم.	۴	۳	۲	۱	۰
پدرم و مادرم دوست دارند نظر من را بشنوند حتی وقتی که من با آنها موافق نیستم.	۴	۳	۲	۱	۰
غلب وقتی خانواده درباره چیزی صحبت می کند پدر و مادرم نظر من را می پرسند.	۴	۳	۲	۱	۰
پدر و مادرم من را تشویق می کنند تا افکار و عقاید آنها را مورد بررسی قراردهم.	۴	۳	۲	۱	۰
من واقعاً از صحبت کردن با والدینم لذت می برم حتی وقتی با هم توافق نداریم.	۴	۳	۲	۱	۰
ما اغلب در خانواده خود درباره احساسات و عواطفمان صحبت می کنیم.	۴	۳	۲	۱	۰
معمول آنچه را که دارم درباره اش فکر می کنم با پدر و مادرم در میان می گذارم.	۴	۳	۲	۱	۰
غلب من و پدر و مادرم درباره هر چیزی گفتگوهای طولانی، آسوده و راحتی داریم.	۴	۳	۲	۱	۰
غلب پدر و مادرم چیزی مثل این می گویند: تمام اعضای خانواده در	۴	۳	۲	۱	۰

						تصمیم گیری های خانواده باید نظر خود را بگویند.
۴	۳	۲	۱	۰		من تقریباً می توانم هر چیزی را با پدر و مادرم در میان بگذارم.
۴	۳	۲	۱	۰		ما به عنوان یک خانواده اغلب درباره کارهایی که در طول روز انجام داده ایم صحبت می کنیم.
۴	۳	۲	۱	۰		اغلب پدر و مادرم چیزی مثل این می گویند: تو همیشه باید به هر دو جنبه مثبت و منفی مطلب مورد بحث توجه کنی.
۴	۳	۲	۱	۰		ما در خانواده خود اغلب درباره نقشه ها و آرزوهایی که برای آینده داریم حرف می زیم.
۴	۳	۲	۱	۰		پدر و مادرم تمایل دارند احساساتشان را به راحتی بیان کنند.
۴	۳	۲	۱	۰		۱۵ ما در خانواده اغلب درباره موضوعاتی از قبیل سیاست و مذهب بحث و گفتگو می کنیم. هر چند بعضی از اعضای خانواده با یکدیگر موافق نباشند.

مقیاس	کاملاً مخالف	تارددودی مخالف	نظری ندارم	تارددودی مخالف	کاملاً موافق
جهت گیری همنوایی					
اغلب پدرم و مادرم چیزهایی مثل این می گویند: عقیده و نظر من درست است تو باید در مورد آن چون و چرا کنی.	۰	۱	۲	۳	۴
اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می گویند: بچه باید با بزرگتر ها بحث کند.	۰	۱	۲	۳	۴
پدر و مادرم احساس می کنند باید رئیس باشند.	۰	۱	۲	۳	۴
وقتی پدر و مادرم عقیده من را نمی پسندند نمی خواهند درباره آن چیزی بدانند.	۰	۱	۲	۳	۴
در خانه ما همیشه پدر و مادرم حرف آخر را می زنند.	۰	۱	۲	۳	۴
بعضی وقتها وقتی عقیده من با عقاید پدر و مادر متفاوت است آنها از دست من عصبانی می شوند.	۰	۱	۲	۳	۴
وقتی در خانه هستم از من انتظار می رود دستورات پدر و مادرم را اطاعت کنم.	۰	۱	۲	۳	۴
اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می گویند: وقتی بزرگ شدی بهتر می فهمی.	۰	۱	۲	۳	۴
اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می گویند: درباره بعضی چیزها باید حرف زد.	۰	۱	۲	۳	۴
اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می گویند: در بحث ها به جای این که دیگران را کفری و عصبانی	۰	۱	۲	۳	۴
۱۰					

						کنی باید تسلیم شوی(کوتاه بیای).
۴	۳	۲	۱	۰	۱۱	وقتی هر چیز واقعاً مهمی در میان است پدر و مادرم از من انتظار دارند بدون هیچ چون و چرا بی از آنها اطاعت کنم.